

خرافه گرایی؛ سرمایه گذاری روی امور مبهم

شما هم حتماً تعداد زیادی از این گونه جملات را بلدید و به دیگران می‌گویید، جملاتی مانند: قهوه آرام‌بخش است؛ آبمیوه موجب لاغری می‌شود؛ کسانی که انگشتان خود را برای رفع خستگی می‌شکنند ...



شما هم حتماً تعداد زیادی از این گونه جملات را بلدید و به دیگران می‌گویید، جملاتی مانند: قهوه آرام‌بخش است؛ آبمیوه موجب لاغری می‌شود؛ کسانی که انگشتان خود را برای رفع خستگی می‌شکنند در پیری درد مفاصل می‌گیرند؛ مو و ناخن بعد از مرگ به رشد خود ادامه می‌دهد و خیلی تعبیر و جملات دیگری از این دست که یک امر غلط را تحت جملات علمی تأیید می‌کند. این‌روزها با گردش سریع و آزاد اطلاعات، این گونه باورها هر چه بیشتر رواج یافته است. البته این تقصیر آسان شدن انتقال اطلاعات نیست بلکه بیشتر مشکل ما در پذیرفتن بدون استدلال مسائل و انتقال این دانسته‌های غلط به دیگران است، که فقط در زمانه ما انداز، احتیاط، به نام شبکه‌ها، اجتماع، صدا کده است.

خرافه های علمی

خرافه فقط باور به جادو و فال و عرفان های نوظهور نیست. خرافه هرگونه باوری است که پشتوانه دقیق علمی و منطقی ندارد. با این تعریف، اعتقاد به این که نگاه کردن به ساعت وقتی عقربه ها 10 و 10 دقیقه را نشان می دهد یا گرفتن قاصدک در دست، موجب خوش شانسی یا برآورده شدن آرزوها می شود، همان قدر خرافی است که باور به آبمیوه برای پاکسازی بدن. هر دو دسته باور خرافی و غیرمنطقی است و پشتوانه علمی دقیقی ندارد.

خرافه ها چگونه ساخته می شود؟

هیچ کس نمی داند از کی و چه زمانی قاصدک موجب خوش شانسی و برآورده شدن آرزوها شد و از چه زمانی مردم به این نتیجه رسیدند که آبمیوه طبیعی موجب لاغری می شود. اما می توان حدس هایی در این مورد زد. بدیهی است این باورها اغلب سینه به سینه و دهان به دهان تبدیل به باور عمومی می شود، اما در عین حال روشن نیست که چه اتفاقی افتاد که اولین نفر به این نتیجه رسید.

بخشی از خرافه ها برآمده از ادبیات قدیم است و بخشی دیگر برآمده از کتاب ها و نتایج علمی گذشتگان که بیش از تجربه مبتنی بر عقیده بود.

از سوی دیگر، می توان درک کرد خیلی از خرافه ها ناشی از احساسات شخصی و دریافت های فردی بوده است. چون انسان حس خوشایندی با خوردن قهوه پیدا می کند و سرحال و متمرکز تر می شود لذا تصور می کند قهوه برای آرام شدنش مفید است.

چون شخصی معتاد به سیگار است تصور می کند این که با این کار ناآرامی خود پیش از کشیدن -که هر معتادی دچارش می شود- را از بین می برد، به تمدد اعصابش کمک کرده است.

اما احساسات فردی و خوشایند ما نوعی اثبات علمی نیست و در عین حال علاوه بر این که اثبات علمی محسوب نمی شود در اکثر موارد به دلیل اشتباهات و نادانی فرد تجربه کننده است.

یعنی ما در نامگذاری آن حالی که از دیدن یک قاصدک پدید می آید، که خوشحالی و لذت از زیبایی است، دچار اشتباه می شویم. اینجا مشکل از نامگذاری است، از تعبیری است که ما از حال خود داریم.

ناآگاهی عامل خرافه گرایی است

خرافه بیش از هر چیز محصول ندانستن است. بی اطلاعی از آینده، ما را وادار به چیزهایی برای پیش بینی آینده پناه ببریم از جمله ابزار خرافی برای اطلاع از آینده، همین فالگیری و انواع آن است.

از سوی دیگر، نگرانی از سلامت و آگاهی به وضع بد زندگی طبیعی شکلی از خرافه های در ظاهر علمی و مدنی را پدید آورده است که شامل خاصیت بخشی به خوردنی ها برای تضمین سلامت است.

این نوع تضمین خواهی از خوردنی ها به معنای این است که ما می خواهیم این بار از طریق علم، آینده را پیش بینی کنیم و بدیهی است از آن رو که آینده دستخوش رخدادهای کنترل ناپذیر است و علم آنچنان بر آن حاکم نیست که پیش گویش باشد، تلاش ما برای پیشگویی منتهی به خرافه هایی درباره سلامت، خوردنی ها و ... می شود.

خرافه همواره نوعی گمراهی و سرمایه گذاری مشکوک است. خرافه به معنای دوری از عقلانیت و علم است که گاه حتی می تواند لباس علم به تن کند و به نظر مستدل بیاید.

بسیاری از دانشمندان و عالمان زمان ما درست مثل دانشمندان و عالمان قدیم، در جهت ازبین بردن خرافه ها تلاش می کنند. آنها می خواهند حقیقت و علم را جایگزین خرافه و گمراهی کنند، زیرا حقیقت و علم سرمایه گذاری مطمئن روی آینده است و خرافه سرمایه گذاری روی امور مبهم و نامعلوم.

علیرضا نراقی - دین و زندگی